

Simile and its Connection with the Worldview and Themes of Maqtals in Serr Al-Asrar fi Mosibat e-Abi Al-Aeimate Al-Athaar

Mohammad Ibrahim Malmir¹  | Sahar Yousefi² 

1. Corresponding author, Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: dr_maalmir@razi.ac.ir
2. Researcher in postdoctoral course in Persian language and literature, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: sahar.yosefi69@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received 2024 August 18 Received in revised form 2024 October 11 Accepted 2024 November 14 Published online 2024 November 21 Keywords: Simile, Tenor, Vehicle, Worldview, Serr Al-Asrar fi Mosibat e-Abi Al-Aeimate Al-Athar.	Maqtals are historical narratives under historiography. As Ashura has had many social, religious and political implications ever since its happening, its historical narrative has also been reflected in humanities and social sciences, including literature. Simile is one of the main topics in rhetoric that provides the basis for this connection by reflecting thought and feeling in various literary works. Serr Al-Asrar fi Mosibat e-Abi Al-Aeimate Al-Athaar, as a remarkable contemporary maqal, by Jalili Kermanshahi is less known in this regard that deserves more attention. The research questions include: what kinds of structures and objectives do the similes in the book serve? What is the role of the elements of simile in conveying the space and themes of the book and how have they reflected the author's worldview? The present study tries to investigate the relationship between similes and the themes of this book through a descriptive-analytical method. The authors first extract the structure, frequency and types of similes of the book and examine them to explain the connection of the similes with the author's themes and worldview. The findings show that most of the similes in the book serve to clarify and express the author's thoughts and feelings than suggesting aesthetic and rhetorical functions. Examining the types of similes, grounds of comparison and associated issues has a major role in explaining the space and theme of this historical narrative and introducing the author's thoughts and worldviews which are often reflected through epic, lyrical, doctrinal and mystical manifestations.

Cite this article: Malmir, M.I., (2024)., Simile and its Connection with the Worldview and Themes of Maqtals in Serr Al-Asrar fi Mosibat e-Abi Al-Aeimate Al-Athaar. *Rhetoric and Grammer Studies*, 14 (25). 54-68. DOI: <https://doi.org/10.22091/jls.2024.11205.1629>



© The Author(s)
DOI: <https://doi.org/10.22091/jls.2024.11205.1629>

Publisher: University of Qom

عنصر تشبیه و پیوند آن با جهان‌بینی و درون‌مایهٔ مقتل سر الأسرار فی مصیبهٔ اُبی الأئمة الأطهار (ع)

محمد ابراهیم مالمیر^۱ | سحر یوسفی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: dr_maalmir@razi.ac.ir

۲. پژوهشگر پسادکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: sahar.yosefi69@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۴ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ کلیدواژه‌ها: تشبیه، وجه‌شبه، طرفین تشبیه، جهان‌بینی، سر الأسرار فی مصیبهٔ اُبی الأئمة الأطهار (ع).	مقتل‌نویسی از گونه‌های تاریخی روایت و در شمار شاخه‌های تاریخ‌نگاری است. از آنجا که رویداد تاریخی عاشورا، تأثیرات اجتماعی، اعتقادی و سیاسی بسیاری داشته است، روایت تاریخی آن نیز با علوم مختلف از جمله ادبیات پیوند می‌خورد. تشبیه، از موضوعات اصلی علم بیان است که با بازتاب اندیشه و احساس در آثار مختلف، زمینهٔ این پیوند را فراهم ساخته است. مقتل «سر الأسرار فی مصیبهٔ اُبی الأئمة الأطهار (ع)» از مقتل‌های تاریخی برجستهٔ معاصر، اثر جلیلی کرمانشاهی است که تا کنون مورد غفلت پژوهشگران واقع شده است. این پژوهش بررسی کرده تشبیهات با چه ساختار و هدفی در مقتل سر الأسرار ظهور یافته‌اند. ارکان تشبیه در انتقال فضا و درون‌مایهٔ مقتل چه نقشی دارند و چگونه جهان‌بینی نویسنده را منعکس کرده‌اند. پژوهش حاضر بر آن بوده است تا به شیوهٔ توصیفی-تحلیلی ارتباط عنصر تصویری تشبیه را با درون‌مایهٔ مقتل سر الأسرار بررسی کند. نگارندگان ابتدا ساختار تشبیهات، بسامد گونه‌های آن را استخراج، تشبیه را به اعتبار طرفین بررسی و سپس ارتباط این عنصر را با درون‌مایهٔ مقتل مذکور تبیین کرده‌اند تا از طریق ساختمان تشبیه، پیوند جهان‌بینی نویسنده با درون‌مایهٔ اثر روشن شود. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که میان مقتل سر الأسرار با عنصر تشبیه پیوند معنایی حاکم است و اغلب تشبیهات با هدف روشن‌سازی، بیان اندیشه و احساس نویسنده ایجاد شده‌اند تا آفرینش تشبیهات ادبی و هنری. بررسی انواع شگردهای تشبیه، وجه‌شبه و عناصر تشبیه‌ساز سهم عمده‌ای در تبیین فضا و درون‌مایهٔ این روایت تاریخی دارد و از سویی معرف اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های نویسنده هم هست که اغلب با جلوه‌های حماسی، غنایی، اعتقادی و عرفانی نمایان می‌شوند.

استناد: مالمیر، محمد ابراهیم؛ یوسفی، سحر. (۱۴۰۳). «عنصر تشبیه و پیوند آن با جهان‌بینی و درون‌مایهٔ مقتل سر الأسرار فی مصیبهٔ اُبی الأئمة الأطهار (ع)». پژوهش‌های دستوری و بلاغی. دوره ۱۴. شماره ۲۵. صص: ۵۴-۶۸. <https://doi.org/10.22091/jls.2024.11205.1629>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه قم

(۱) مقدمه

مقتل، یکی از گونه‌های روایت است و مقتل‌نگاری، از شاخه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی به شمار می‌رود. مقتل «سر الأسرار فی مصیبة أبی الأئمة الأطهار^(ع)» (بی تا) از مقتل‌های برجسته و کمتر شناخته شده در تاریخ معاصر مقتل‌نگاری اسلامی است. این مقتل اثر آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم جلیلی کرمانشاهی است که بر اثر مرگ مؤلف، ناتمام ماند و فرزندش، آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی جلیلی، آن را به پایان رساند و بازنگری کرد.

عناصر ادبی به ادبیات و آثار ادبی محدود نمی‌شوند. ادبیات با علوم مختلف، پیوندی ناگسستنی دارد تا آنجا که گاه حتی در روایت‌های تاریخ‌نگاری، نظیر مقتل‌ها، عناصر ادبی ظهور می‌یابند تا تاریخ را زنده به تصویر کشند. مقتل‌ها در شمار روایت‌های تاریخی هستند که گاه لایه‌های فکری - عاطفی‌ای در ژرف‌ساختشان، آنها را با ادبیات پیوند می‌دهد. در مقتل مذکور، عنصر تشبیه این پیوند را برقرار کرده است. تشبیه هم از بنیانی‌ترین گونه‌های خیال و هم معرف فکر و جهان‌بینی آفریننده اثر است. هدف این نوشتار، بررسی عنصر تشبیه در مقتل سر الأسرار است تا با بررسی این عنصر، پیوند محتوایی آن را در مقتل مذکور بکاود و دیدگاه‌ها و جهان‌بینی نویسنده را بررسی کند. برای این منظور عنصر تصویرساز تشبیه را در مقتل سر الأسرار بررسی می‌کنیم تا پیوند این عنصر بلاغی را با درون‌مایه مقتل مذکور و جهان‌بینی نویسندگان آن را تبیین سازیم.

(۱-۱) هدف و ضرورت پژوهش

بسیاری از آثار ارزشمند علمی، تاریخی و ادبی کشور ما در کنج مراکز مخطوطات مهجور و مغفول باقی می‌مانند؛ گاه با وجود تصحیح این نسخ خطی، باز هم به دلیل ناشناخته و کم‌شناخته ماندن، جامعه آماری تحقیق و پژوهشی قرار نمی‌گیرند. این در حالی است که با انجام پژوهش بر چنین آثاری، می‌توان زوایای مختلفی از مبانی علمی، تاریخی و ادبی را در این آثار روشن کرد. مقتل تاریخی سر الأسرار یکی از این نسخه‌های بومی و ملی ناشناخته و یا کمتر شناخته در عصر حاضر است. برای بررسی این مقتل، از آنجا که تنها نسخه خطی آن موجود بود و هنوز نسخه چاپی ندارد، نگارندگان این نوشتار از نسخه در دست چاپ مؤسسه شیفتگان کمال بهره برده‌اند که در آن مقتل مذکور تصحیح شده است. این پژوهش بر آن است تا به مقتلی اصیل و مغفول از نویسنده و فقیهی مهجور بپردازد تا پیوند تاریخ و ادبیات را در روایتی تاریخی بررسی کند.

(۲-۱) پیشینه پژوهش

بیان، از زیرشاخه‌های علم بلاغت است و تشبیه یکی از موضوعات اصلی این علم است که نویسندگانی چون شمس‌ا، احمدنژاد، کزازی و... در کتاب‌های بیان خود به طور مفصل به آن پرداخته‌اند. افزون بر پژوهش‌های کتابی، در قالب مقاله نیز تشبیه از جنبه‌های مختلفی در آثار ادبی و سبک‌های مختلف زمینه پژوهش‌های بسیاری را فراهم کرده که به چند نمونه اشاره می‌شود. رضایی جمکرانی (۱۳۸۴) در مقاله «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی» به بررسی نقش تشبیه در اشعار شاعران برجسته معاصر بر اساس دگرگونی‌های سبکی‌شان پرداخته و بر آن بوده تا تحولات سبکی را در عنصر تشبیه بکاود. رضوانیان و مقدسی (۱۳۹۴) در مقاله «دیالکتیک در تاریخ بیهقی» کارکرد تشبیه در تاریخ بیهقی را بررسی کرده و آن را کارکردی دیالکتیکی می‌دانند و بر اساس ساختار تشبیهات کتاب، جهان‌بینی نویسنده آن را تبیین کرده‌اند. این نوشتار نمونه‌ای در بررسی پیوند تاریخ و ادبیات نیز به شمار می‌رود. زارع (۱۳۹۷) در مقاله «طبقه‌بندی تشبیهات در دو مجموعه

داستان چمدان و ورق‌پاره‌های زندان از بزرگ علوی» کارکرد و ساختمان تشبیه را در دو مجموعه داستان کوتاه بزرگ علوی طبقه‌بندی و تحلیل کرده است. لامعی، انواری و فرزانه‌فرد (۱۳۹۹) در مقاله «مقایسه و تحلیل تشبیه و ساختار آن در اشعار فروغ و ابتهاج» به بررسی ساختار تشبیه به شیوه مقایسه‌ای در اشعار فروغ فرخزاد و هوشنگ ابتهاج پرداخته و اغراض و اهداف تشبیه را در اشعار این دو شاعر تبیین کرده‌اند.

اما تا کنون در نوشتاری سبک تشبیه در این مکتب تاریخی برجسته بررسی نشده است. این نوشتار می‌کوشد نقش عناصر ادبی را در تصویرسازی روایت‌های تاریخی بکاود.

۱-۳) روش‌شناسی تحقیق

این مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. ابتدا تعریفی از مکتب و تشبیه ارائه شده است؛ سپس با معرفی مختصری از نویسندگان به بررسی شاهد مثال‌هایی از انواع تشبیه‌های مستخرج، پرداخته شده تا در روایتی تاریخی، هدف از ساختار تشبیه تبیین شود. در این نوشتار بررسی می‌شود که چگونه عنصر تصویری تشبیه برای تبیین درون‌مایه مکتب، احساس و اندیشه نویسندگان به کار گرفته شده است.

۲) ساختمان تشبیه در مکتب سر الأسرار

مکتب سر الأسرار از مکتب‌های برجسته در سبک مکتب‌نویسی معاصر است. این مکتب از گونه مکتب‌های گزارشی و نقلی به شمار می‌آید. مؤلف اصلی کتاب سر الأسرار آیت‌الله حاج شیخ عبدالرحیم کرمانشاهی کرکوتی از مشاهیر و فقهای برجسته در عصر خود بود. وی در سال ۱۲۲۳ ه.ق. در کرمانشاه متولد شد و در سال ۱۳۰۵ ه.ق. دار دنیا را وداع گفت. کشف الأسرار، الاثنی عشریة، لمعات الأنوار و مکتب «سر الأسرار فی مصیبة ابي الأئمة الأطهار(ع)» از جمله آثار ارزشمند اوست (الأمینی، ۱۴۱۳: ۳۷۳). آیت‌الله جلیلی در نیمه‌های این کتاب دار فانی را وداع گفت و مؤلف بعدی یا فرزند او آیت‌الله شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی این کتاب را به پایان رسانید. محمدهادی جلیلی از بزرگان، مجتهدین و علمای اعلام عصر خویش بود. مقدّمات را نزد پدر خود و علمای عصر گذراند و در سال ۱۳۰۸ ه.ق. عازم نجف شد و نزد میرزا حبیب‌الله رشتی، سید محمد بحر العلوم، شیخ هادی طهرانی و آخوند خراسانی به تلمذ پرداخت و به مراتب عالی از معرفت و فضیلت نایل آمد. سپس به وطن خویش برگشت و به قضاوت و اداره حوزه علمیه و تألیف کتاب و تحقیق مشغول شد. سرانجام در سال ۱۳۷۵ ه.ق. در نجف اشرف از دنیا رفت و آقایان عبدالجلیل و محمدحسین جلیلی از او به یادگار ماندند (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۰۵؛ شریف‌رازی، ۱۳۹۳، ج ۶: ۳۶۴).

مکتب سر الأسرار با وجود داشتن نویسنده تکمیل‌کننده، نثری یکدست و روان دارد و در شمار مکتب‌های گزارشی است. در تعریف مکتب گزارشی گفته می‌شود که این نوع مکتب، گزارش خود را به واسطه روایت‌های دیگر بدون دخل و تصرف روایت می‌کند و دارای رویکرد صرفاً تاریخی است (عسگری و رفعت، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۱). از سویی، نثرهای نقلی و وصفی مجالی را برای نویسنده فراهم می‌کنند که کلامش مقصور و محدود نباشد و در عین حال، آرایش ظاهری کلام متناسب با رشته معنایی است (خطیبی، ۱۳۹۰: ۴۳۱)؛ از این روی، در بستر یک روایت تاریخی، تشبیهات پیش از آنکه با اهداف بلاغی ظهور یابند، در خدمت روشن‌سازی مخاطب و اعتقاد نویسنده هستند.

سبک بلاغی در هر اثر، لایه‌های اصلی سبک‌شناسی است و تشبیه به عنوان محوری‌ترین عنصر خیال از مهم‌ترین مؤلفه‌های وجه ادبی در یک اثر به شمار می‌رود. تشبیه در لغت «مانند کردن چیزی است به چیز دیگر در یک یا چند

صفت؛ اما در اصطلاح علم بیان، تشبیه، ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت» (علوی مقدّم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۸۵). تشبیه را اساسی‌ترین رکن در علم بیان می‌دانند که سایر اجزای این دستگاه نظیر استعاره، تشخیص و... برخاسته از آن است (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۵). تشبیه را هستهٔ اصلی و مرکزی اغلب خیال‌های شاعرانه به شمار می‌آورند: «انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف می‌کند» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

ادبیات با علوم مختلف از جمله تاریخ پیوند می‌خورد تا آنجا که گاه حتی روایت‌های تاریخی با عناصر ادبی نظیر تشبیه، توصیف و تصویر می‌شوند؛ چرا که «تشبیه شگردی است برای زنده بیان کردن تاریخ با نگرش نقّادی در خدمت قلم» (رضوانیان و مقدّسی، ۱۳۹۴: ۹۵). در روایت تاریخی مقتل سر الأسرار، ۱۷۳ نمونه تشبیه ظهور یافته است که در ادامه، شگردهای تشبیه و بسامد آن در این مقتل بررسی می‌شود.

۲-۱) شگردهای تشبیه در مقتل سر الأسرار

تشبیه صورتی عادی و ملموس از قوهٔ تخیل و ادراک آدمی است و از سویی هم پرکاربردترین تصویر در آثار ادبی به حساب می‌آید (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۵: ۶۳). نوع ینش و تفکر پدیدآورندگان آثار می‌تواند نمودار گرینش خاصی از امکانات متعدّد زبانی باشد و ذات نهفته در صور خیال، یکی از راه‌های شناخت جهان‌بینی حاکم بر اثر است. چون تشبیه اساسی‌ترین رکن دستگاه بلاغی است، می‌تواند بیانگر درجهٔ ادراک انسان‌ها و نوع ینششان باشد.

با وجود آنکه تصویر و تصویرگری، معانی مصداقی فراوانی دارد، اما به طور کلی، تصویرگری را استفاده از زبان به وسیلهٔ تشبیه، استعاره، مجاز و... می‌دانند که با آن می‌توان اشیا، اعمال، احساسات، افکار، تصوّرات، روایات و تجربیات حسی و فراحسی را بازنمایی کرد (کادن، ۱۳۸۰: ۹۷). ساختار تشبیه هم انواعی دارد که می‌توان آن را به چهار دسته تقسیم کرد: صریح (مُفَصَّل مُرْسَل)، مُجَمَّل، مُؤَكَّد و بلیغ (مُجَمَّل مُؤَكَّد) (شمیسا، ۱۳۸۷: ۶۶). به تشبیهی که وجه‌شبه در آن ذکر شده باشد، مفصّل و به تشبیهی که وجه‌شبه در آن نیامده، مجمل می‌گویند. در تشبیه مؤکّد، ادات تشبیه ذکر نمی‌شود و در تشبیه بلیغ، ادات تشبیه و وجه‌شبه نمی‌آید (همان: ۷۰-۶۶).

تشبیه بلیغ (۸۹ نمونه)، پرتکرارترین نوع تشبیه در مقتل سر الأسرار است. ارزشمندترین نوع تشبیه همین تشبیه بلیغ است؛ چون هرچه پیوندهای تشبیه نزدیک‌تر باشد، تشبیه زیباتر می‌شود. یکی از راه‌های این زیباترشدن هم به حداقل رساندن پایه‌های تشبیه است (مظفری، ۱۳۸۱: ۳۸). در اغلب موارد، تشبیه بلیغ در مقتل مذکور به شکل ترکیب اضافی نمود می‌یابد. این تشبیه‌ها در بیان موضوعات متعدّدی به کار می‌روند و طیف متنوعی از مضامین جنگی، اخلاقی، عرفانی و احساس نویسنده را بیان می‌دارند؛ نظیر «آه آه! خانهٔ عالم خراب شود برای آن حالت سیّد الشهداء علیه‌السلام» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۳۰۷). نویسنده ضمن تشبیهی بلیغ عواطف و احساس خود را نسبت به حوادث تلخ عاشورا بیان می‌کند. به ندرت شگرد تشبیه بلیغ در این مقتل به شیوهٔ بلیغ اسنادی است. گاه این تشبیهات در ضمن خود تشبیه دیگری هم دارند که بر زیبایی متن دوچندان می‌افزایند؛ برای نمونه عبدالله بشیر از یاران حضرت (ع) در رجزخوانی‌اش می‌گوید: «من شیر بیشهٔ شجاعت و دلیری‌ام» (همان: ۱۹۰). در این نمونه، اوج هنر ادبی نویسنده در کاربست دو تشبیه بلیغ به شیوهٔ اسنادی و اضافی در کنار یکدیگر ظهور می‌یابد. این شگرد تشبیه برای نویسنده مجالی فراهم می‌سازد تا ذوق ادبی و هنری‌اش را نمایان سازد، در حالی که سایر شگردهای تشبیه مقتل مذکور چندان نمود ادبی ندارند. اغلب، ارکان تشبیه کامل ذکر

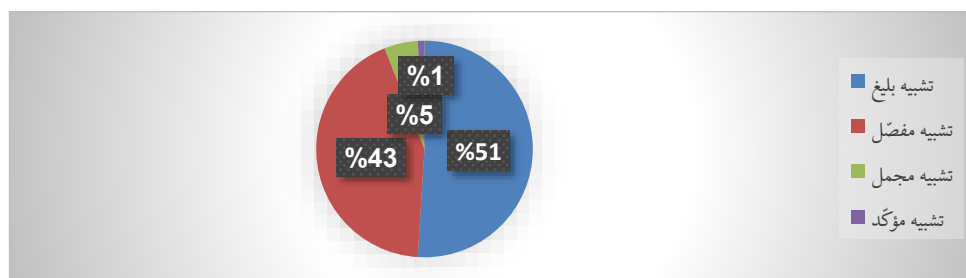
می‌شوند و وجه‌شبه‌هایی که ذکر نمی‌شود، دیرباب نیستند. در واقع، می‌توان گفت هدف نویسنده از آوردن تشبیه در این نوشتار تاریخی، روشن‌سازی بیشتر و بهتر است.

تشبیه مفصل مرسل (۷۵ نمونه)، دومین شیوه تشبیه در مقتل سرالأسرار است. مسائل مختلفی با این شگرد بیان می‌شوند. در کنار مسائل عاطفی، جنگی، اعتقادی و اخلاقی‌ای که با شگرد تشبیه مفصل بیان می‌شود، عناصر طبیعت و اجرام فلکی جلوه بارزی دارند. نویسنده برای نمونه در یکی از تشبیهات مرسل این گونه دعوت امام حسین^(ع) را توصیف می‌کند: «پس مثل ندای امام، مثل قطرات که در شکم افعی، سم و در صدف، مروارید [است]، مانند آب نیل که در دهان قبطی، خون و در دهان سبطی، آب گواراست» (همان: ۲۴۱). در نمونه‌هایی دیگر، نویسنده برای توصیف سر بریده و چهره امام حسین^(ع) باز هم با شگرد تشبیه مرسل به عناصر طبیعت روی می‌آورد: «آن سر مانند زهره و ماه تابان می‌درخشد و... روی مبارکش مانند دایره ماه تابان» (همان: ۳۸۷). هر چهار رکن تشبیه در این نمونه‌های بالا مذکور است که به دلیل کاهش تلاش ذهنی مخاطب و پیوند همانندی میان طرفین، سبب می‌شود تا از زیبایی تشبیه کاسته شود. چون ساختار این نوع نوشتار قصد توصیف، شرح و بسط کامل موضوع را دارند و نه بلاغت سخن.

تشبیه مجمل (۸ نمونه)، ظهور کمتر و به طبع تنوع موضوعی کمتری نیز دارد. نویسنده از ساختار این تشبیه اغلب برای بیان اندیشه‌های اعتقادی و گفتن احساسات خود بهره می‌جوید؛ برای نمونه، نویسنده به نقل از حضرت علی^(ع) خطاب به یکی از فرزندانش آورده است: «فرمود: ای فرزند من! تو به مثابه دست و حسنین که فرزندان رسول (ص) خدایند به منزله چشم من اند» (همان: ۲۹۶). ارزشمندی و عزیز بودن، وجه‌شبه‌های این تشبیهات مجمل هستند که به علت وضوح و آشکاری حذف شده‌اند. در نمونه‌ای دیگر از کثرت تیر، این گونه توصیف می‌شود: «بدنش را مانند خارپشت نمودند» (همان: ۲۴۴). وجه‌شبه در این نمونه هم به سهولت قابل دریافت و از این‌روی حذف شده است.

گذر زمان نشان می‌دهد که گرایش به تشبیه مجمل در آثار ادبی بیشتر و گرایش به تشبیه مفصل کمتر می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۷: ۶۸)؛ اما با بررسی نمونه‌های تشبیه و هدف کارکرد آن در مقتل تاریخی سرالأسرار درمی‌یابیم این تئوری در آثار تاریخی صدق نمی‌کند. بسامد تشبیه مجمل در مقتل مذکور بسیار کمتر از تشبیه مفصل است که ریشه در تاریخی بودن روایت دارد. در این نوشتار، هدف نویسنده شفاف‌سازی در بیان مطالب است تا ایجاد تشبیهات بلاغی و هنری. به طبع، وجه‌شبه‌ها در تشبیه مجمل این مقتل هم دیرباب نیستند.

در مقتل مذکور، تشبیه مؤکد نیز تنها ۱ نمونه دارد و وجه‌شبه آن نیز روشن است: «نسل او، به زیادی ریگ بیابان است» (همان: ۴۷۸).



نمودار ۱. بسامد انواع تشبیه را در مقتل سرالأسرار

۲-۲) تشبیه به اعتبار طرفین

این مقتل در ده بخش روایت شده است که به ترتیب بخش‌ها، بسامد تشبیهات و حسی و عقلی بودن آنها تبیین می‌شود. در پایان هم نمونه‌هایی از انواع تشبیه بر اساس حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه بررسی می‌شوند.

مطلب الأول با نام «در حرکت سیدالشهدا^(س) از مدینه طیبه رو به مکه معظمه» دشواری‌های شیعیان در زمان معاویه تا خروج امام حسین^(ع) از مدینه را نشان می‌دهد. در این فصل تنها ۱ تشبیه از نوع مفصل با طرفین محسوس به محسوس دارد.

مطلب الثانی با نام «در توجه امام به عراق» نحوه دعوت کوفیان از امام حسین^(ع) به واسطه مسلم بن عقیل، عهد بستن و سپس بیعت شکنی کوفیان را شرح می‌دهد. در این فصل نیز ۱۸ تشبیه وجود دارد: ۱۱ تشبیه مفصل، ۶ تشبیه بلیغ و ۱ تشبیه مجمل. در این بین، ۱۱ تشبیه محسوس به محسوس، ۶ تشبیه معقول به محسوس و ۱ تشبیه معقول به معقول هستند. مطلب سیم با نام «در وقایع ورود به کربلا تا شب عاشورا» به چگونگی جمع آوری سپاه ابن زیاد، موعظه امام حسین^(ع) و دشواری‌های حضرت و یارانش می‌پردازد. در این روایت هم ۸ تشبیه نمود می‌یابد: ۶ تشبیه بلیغ و ۲ تشبیه مفصل. در این بین، ۵ تشبیه معقول به محسوس و ۳ تشبیه محسوس به محسوس وجود دارد.

مطلب چهارم با عنوان «در وقایع شب عاشورا» موعظه امام حسین^(ع) را برای یارانش بازگو می‌کند، متفرق شدن افراد سست اراده و پا برجایی تعدادی اندک از یاران حضرت را توصیف می‌کند. در این روایت ۴ تشبیه وجود دارد: ۳ تشبیه مفصل و ۱ تشبیه بلیغ. از لحاظ طرفین تشبیه نیز ۲ تشبیه محسوس به محسوس و ۲ تشبیه معقول به محسوس ظهور یافته است.

روایت پنجم با عنوان «در وقایع روز عاشورا» دعای امام سجّاد^(ع)، چگونگی رویارویی سپاه ابن زیاد با حضرت و یارانش را شرح می‌دهد و با جزئیات، شرح شهادت امام حسین^(ع) و یارانش را بیان می‌کند. این فصل، طولانی‌ترین روایت مقتل مذکور است و نویسنده در بیان حوادث تاریخی، عواطف و دیدگاه‌های خود را بیش از سایر بخش‌ها بروز می‌دهد؛ از همین روست که برخلاف فصل‌های دیگر پربسامدترین گونه‌های تشبیه در این فصل ظهور می‌یابد. ۷۸ تشبیه در این فصل وجود دارد: ۴۷ تشبیه بلیغ، ۲۹ تشبیه مفصل و ۲ تشبیه مجمل. در این بین، ۴۹ تشبیه معقول به محسوس، ۳۵ تشبیه محسوس به محسوس و ۴ تشبیه معقول به معقول هستند.

روایت ششم با عنوان «در حالت بعد از شهادت سرور شهیدان» به حوادث پس از شهادت امام حسین^(ع)، هتک حرمت به پیکر شهدای کربلا، خطبه‌های حضرت زینب^(ع) و بردن اسرا به کوفه می‌پردازد. در این روایت ۱۷ تشبیه وجود دارد: ۹ تشبیه مفصل، ۶ تشبیه بلیغ و ۲ تشبیه مجمل. در این میان، ۱۰ تشبیه محسوس به محسوس، ۶ تشبیه معقول به محسوس و ۱ تشبیه معقول به معقول است.

فصل هفتم با نام «در کیفیت ورود اهل بیت^(ع) به کوفه خراب» چگونگی ورود اهل بیت به کوفه، حوادث مجلس ابن زیاد و صبر و شکیبایی‌های اهل بیت^(ع) را توصیف می‌کند. در این فصل ۱۳ تشبیه نمود یافته است: ۸ تشبیه بلیغ، ۴ تشبیه مفصل و ۱ تشبیه مجمل. از لحاظ طرفین تشبیه نیز ۸ تشبیه معقول به محسوس، ۴ تشبیه محسوس به محسوس و ۱ تشبیه معقول به معقول هستند.

فصل هشتم با نام «در حرکت کوفه تا شام» به شرح حوادث و دشواری‌های اهل بیت^(ع) از کوفه تا زمان اقامت در شام می‌پردازد. در این فصل، ۸ تشبیه وجود دارد: ۵ تشبیه مفصل و ۳ تشبیه بلیغ. در این میان، ۴ تشبیه محسوس به محسوس، ۳ تشبیه معقول به محسوس و ۱ تشبیه معقول به معقول هستند.

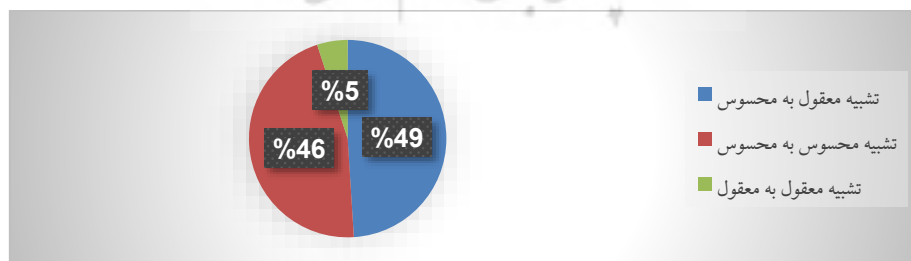
فصل نهم با عنوان «در ورود اهل بیت طاهره^(ع) به شهر شام خراب محنت انجام» ماجراها، حوادث و دشواری‌های اهل بیت^(ع) را از زمان ورود به شام تا خروج از این شهر بیان می‌کند. در این فصل ۱۹ تشبیه نمود یافته است: ۱۱ تشبیه مفصل، ۶ تشبیه بلیغ، ۱ تشبیه مجمل و ۱ تشبیه مؤکد. از لحاظ طرفین تشبیه نیز ۱۰ تشبیه معقول به محسوس و ۹ تشبیه محسوس به محسوس هستند.

فصل دهم نیز با عنوان «در بیان رجوع اهل بیت طاهره^(ع) از شام تا وصول به مدینه طیّه» مقدمات و حوادث خروج اهل بیت از شام تا وصول به مدینه را بیان می‌کند. ۷ تشبیه در این روایت وجود دارد: ۶ تشبیه بلیغ و ۱ تشبیه مجمل دارد. در این میان نیز ۶ تشبیه معقول به محسوس و ۱ تشبیه محسوس به محسوس هستند.

فصل‌های دوم، پنجم، هفتم و نهم بسامد چشمگیری در ظهور تشبیه داشته‌اند. این فصل‌ها از آنجا که جریان‌سازترین حوادث را در دل خود جای داده‌اند، نویسنده را بر آن داشته‌اند تا ضمن روایت خود، احساس و افکارش را نیز بروز دهد. جلوه هنری این بروز نیز با عنصر تشبیه همراه است. در مجموع نیز با بررسی مقتل مذکور دریافتیم که از لحاظ طرفین تشبیه، اغلب تشبیهات با ۸۵ نمونه معقول به محسوس هستند. در علم بیان هم «رایج‌ترین نوع تشبیه، تشبیه عقلی به حسی است؛ زیرا غرض از تشبیه، تقریر و توضیح حال مشبه است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۷۵). نویسنده مقتل هم با انتخاب مشبه به حسی برای وصف مشبه‌های عقلی، آن را برای مخاطب محسوس و روشن می‌سازد؛ نظیر: «پس از اینکه منظور نظر حسینی که «عین الله ناظره» است، گردید گوی سعادت از میدان ربود» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۱۶۰).

تشبیه محسوس به محسوس، با ۸۰ نمونه در جایگاه دوم بسامدی قرار می‌گیرد و این نوع تشبیه مرسوم، «ساده‌ترین نوع تجربه خیال و بازتاب جهان محسوس در ذهن شاعر است» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۵: ۳۰۷). نویسنده مقتل نیز در بهره‌گیری از این نوع طرفین در تشبیه بیشتر قصد بیان مطلب را دارد تا آفرینش هنری؛ مانند: «آب فرات که مثل شکم ماهی لامع (روشن) است» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۳۱).

تشبیه معقول به معقول با ۸ نمونه در جایگاه کم‌بسامد و کم‌اهمیتی قرار می‌گیرد؛ زیرا قاعدتاً نباید چنین تشبیهی وجود داشته باشد، چون وجه شبه صریح و روشنی از آن اخذ نمی‌شود (شمیسا، ۱۳۸۷: ۷۸). در این نمونه‌ها اغلب وجه شبه ذکر می‌شود؛ مانند: «حبس بفرما بر ایشان رحمت را و بر ایشان بفرست سال‌های قحط مانند سال‌های حضرت یوسف^(ع)» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۲۶). تشبیه معقول به محسوس نیز بسامدی ندارد. نویسنده مقتل سر الأسرار با اختلاف اندکی از هر دو نوع تشبیهات مرسوم عقلی به حسی و حسی به حسی استفاده کرده است.



نمودار ۲. بسامد طرفین تشبیهات را در مقتل سر الأسرار

۲-۳ تبیین مشبه به در سر الأسرار

تشبیه در بستر این روایت تاریخی با توصیف حوادث، حالات درونی، ویژگی‌های ظاهری شخصیت‌ها و احوالات آنها جایگاه ویژه‌ای دارد و در برقراری ارتباط مخاطب با درون‌مایه متن، فضاسازی، انتقال اندیشه و عاطفه نویسنده مؤثر می‌افتد.

اهمیت واژگان در زبان و اندیشه تا بدانجاست که «واژه‌ها هم حامل بار ایدئولوژیک‌اند و هم موجب تأثیرات عقیدتی و مرزبندی اجتماعی می‌شوند» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۵: ۳۷۵)؛ اهمیت واژگانی که عنصر تشبیه را می‌سازند، از همین جاست. از یک سو «تشبیه برای حمایت از معنا می‌آید» (خطیب قزوینی، بی‌تا: ۳۲۹) و از سوی دیگر، تشبیه نشان‌دهندهٔ وسعت بینش و زاویهٔ دید شاعر و نویسنده نیز هست.

در ساختار تشبیه از میان چهار رکن آن، مشبّه و مشبّه‌به ارکان اصلی هستند و نمی‌توان آنها را حذف کرد؛ اما در بحث معناگرایی مشبّه‌به و وجه‌شبه اهمیت و کارکرد ویژه‌ای دارند. عده‌ای از اهل بلاغت، مشبّه‌به را مهمترین قسمت تشبیه می‌دانند: «پایهٔ برترین، مانسته (مشبّه‌به) است؛ آن سه دیگر بر آن بنیاد می‌گیرند» (کرازی، ۱۳۸۸: ۴۱). عده‌ای دیگر نیز وجه‌شبه را مهم‌ترین رکن تشبیه می‌خوانند: «چون وجه‌شبه مبین جهان‌بینی و وسعت تخیل شاعر است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۹۸). هر چند این رکن می‌تواند محذوف باشد؛ اما حذف آن، از اهمیتش در شناخت جهان‌بینی و مبانی فکری سازندهٔ تشبیه نمی‌کاهد؛ چون «وجه‌شبه معنا و خصوصیتی است که اشتراک طرفین در آن مورد نظر باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۶). از آنجا که «وجه‌شبه رابطه‌ای است که شاعر بین اشیا و امور می‌یابد» (احمدنژاد، ۱۳۸۲: ۱۹)، در تبیین مبانی فکری اهمیت بسزایی می‌یابد؛ زیرا علت ایجاد هر تشبیه‌ی هم‌پیدا کردن ویژگی یا ویژگی‌هایی مشترک است، وجه‌شبه که این ویژگی‌ها را بین مشبّه و مشبّه‌به می‌سازد، اهمیت معنایی ویژه‌ای دارد.

در فرایند هم‌نشینی مشبّه و مشبّه‌به در یک محور با وجه‌شبه، مؤلفه‌های معنایی‌ای مطرح می‌شوند که حامل ذهن، عواطف، نگرش و جهان‌بینی نویسنده هستند؛ بنابراین در مجموع می‌توان مشبّه‌به و وجه‌شبه را مهم‌ترین رکن‌های معنایی در تشبیه خواند و «درون‌مایه، فکر اصلی و مسلط در هر اثری است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

اصلی‌ترین درون‌مایهٔ این مقتل نیز روایت ستم‌ها و ستم‌ستیزی‌هاست. گاه نویسنده هم عقاید خود را با توصیف کنش‌های ظالم، پشیمانی از مظلومان، ستیز با ستمکاران و رسوا کردن آنها به زبان تصویر روی می‌آورد و از شگرد تشبیه بهره می‌گیرد. از همین روست که با تبیین مشبّه‌به و وجه‌شبه در مقتل سر الأسرار بستری ایجاد می‌شود که می‌توان به فضای این روایت تاریخی و جهان‌بینی نویسنده پی برد؛ چرا که «هر سخنوری بر اساس بینش خود، فضایی را که در پیش دارد، به چیز دیگر تشبیه می‌کند» (رضوانیان و مقدّسی، ۱۳۹۴: ۱۰۰). سر الأسرار هم روایتی تاریخی است که حوادث روزگار امامت امام حسین^(ع) را بیان می‌کند. این مقتل، روایت دشواری‌ها، رنج‌ها، ستم‌ها، بدعهدی‌ها، ایستادگی و شهادت‌طلبی یاران مخلص امام حسین^(ع)، شکیبایی و صبر اهل بیت^(ع) است.

گاهی توصیف شخصیت‌هایی نظیر امام حسین^(ع) و یارانش، حالات و ویژگی‌های آنها، احوالات دشمن، وصف جنگ، مسائل اعتقادی و عواطف نویسنده با رویکرد تشبیه‌ی بیان می‌شوند و نویسنده مشبّه‌به‌هایی با اغراض خاص به کار می‌برد. مشبّه‌به‌هایی که در قلمرو عناصر طبیعت، مفاهیم ذهنی و عینی و یا حیوانات می‌گنجند. عناصر طبیعت نظیر: آفتاب، ماه، باران، سیل، گرداب، آتش و... مفاهیم ذهنی همچون: عالم، خواب، داغ و... مفاهیم عینی و ملموس مانند: نور، شربت، طومار، مُهر، پرده و یا ابزارهای جنگی مانند: تیر، شمشیر، نیزه و... و یا حیواناتی نظیر: شیر، روباه، مور و ملخ، زنبور عسل و... .

۲-۴) وجه‌شبه در سر الأسرار

فراوانی و گستردگی وجه‌شبه‌ها هم از ویژگی‌های تشبیه در مقتل سر الأسرار است. در این روایت تاریخی با ۱۷۳ تشبیه،

۵۶ وجه‌شبه مختلف وجود دارد. البته میزان این گستردگی دامنه وجه‌شبه‌ها به دلیل حوادث بسیار متعددی است که در بافت روایی این اثر می‌آید و زمینه این تنوع و گستردگی را بیش از پیش فراهم می‌سازد. وجود تنوع و گوناگونی‌های وجه‌شبه در اثر مذکور، دیدگاه‌ها و نوع جهان‌بینی نویسنده را بیش از پیش روشن می‌سازد. ویرانگری، کثرت، روشنی و زیبایی پر تکرارترین وجه‌شبه در مقتل مذکور است. این وجه‌شبه‌ها از یک سو، در بیان شدت ویرانگری جنگ، مهلک بودن جنگ و تبعات نبرد نابرابر و بی‌رحمانه می‌آیند و از سویی دیگر، در خدمت توصیف ویژگی‌های امام حسین^(ع) و یارانش می‌آید و ارزش‌های اعتقادی نویسنده را تبیین می‌سازد. از دیگر وجه‌شبه‌هایی که در تشبیهات، تکراری و مشترک هستند، عبارتند از: بلند بودن، زینت‌بخشی، شیرین بودن، پوشیده بودن، ناپایداری، تاریکی، نابود شدن، جاری شدن، هجوم، گرفتاری، غریب بودن، ترس، فرار کردن، رنج و سختی. فراوانی و گستردگی وجه‌شبه‌ها نیز نشان از گسترش افق فکری نویسنده دارند. این وجه‌شبه‌ها اغلب تصویرگر فضای حزن‌انگیز عاشورا، نابودی و رعب حاکم بر فضای نبرد بی‌رحمانه و ناعادلانه هستند. سایر وجه‌شبه‌هایی که تنها یک بار آمده‌اند، عبارتند از: فرود آمدن، مخالفت، توانمندی، عزیز بودن، ارزشمندی، سرعت، بخشش، اشتیاق، ماندگاری، ایستادگی، درماندگی و... که در بیان حالات مختلف و حوادث متعدد می‌آیند.

۲-۵) تأثیر بیش در مضامین تشبیهات سرالأسرار

بررسی وجه‌شبه‌ها در ضمن توجه به طرفین تشبیهی که نویسنده به کار می‌برد، دیدگاه‌های نویسنده، جهان‌بینی او و پیوند عنصر تشبیه را با محتوای مقتل روشن می‌سازد. این تشبیهات با جلوه‌های حماسی برای توصیف جنگ و با جلوه‌های غنایی برای توصیف احساس و نگرش نویسنده می‌آید و یا اعتقادات و گرایش‌های عرفانی وی را نشان می‌دهد. در ادامه مشبه‌ها با تکیه بر مشبه و وجه‌شبه تشبیهات ارزیابی می‌شوند تا جلوه‌های گوناگون تشبیه را در مقتل مذکور بیابیم.

همان‌طور که پیش از این ذکر شد، اغلب تشبیهات در روایت پنجم که بیان حوادث روز عاشورا است، ظهور می‌یابند. در مجموع این عنصر تصویری با مفهوم جهاد و جنگ پیوند خورده است. تشبیهات حماسی (۵۸ نمونه) پر تکرارترین تصویر تشبیه در مقتل مذکور است. از میان عناصر سخن، نویسنده مقتل برای توصیف روحیات سپاهیان امام حسین^(ع) و سپاهیان دشمن به تشبیه روی می‌آورد؛ اما دو رویکرد تشبیهی متفاوت دارد؛ دسته‌ای از تشبیهات در بیان دلاوری‌ها و روح حماسی امام حسین^(ع) و یاران اوست و دسته‌ای دیگر، در بیان شدت جنگ و دشواری‌های آن.

نویسنده در بیان ویژگی‌های امام حسین^(ع) و یارانش به شهادت‌ها و دلاوری‌های بی‌نظیر آنها می‌پردازد؛ وی در توصیف یکی از یاران امام حسین^(ع) آورده: «منم حَبیب، پسر مَظَاهِر منم سوار روز جنگ و شیر درنده» (جلیلی کرمانشاهی، بی‌تا: ۲۶۵). در نمونه‌ای دیگر، امام حسین^(ع) را شیری شجاع و دلیر می‌خواند و با تعبیراتی نظیر «روبه‌صفقان ناکسان بی‌دین» ضمن بیان شهادت‌های امام^(ع) به دشمنان او با دیده تحقیر و نفرت می‌نگرد: «آن شیر بیشه شجاعت، این مقدمات را چون مشاهده کرد... چون شیری که رو به طعمه خود آورد، بر آن روبه‌صفقان ناکسان بی‌دین و ایمان حمله‌ور گردید» (همان: ۲۷۶). در تشبیهی دیگر، امام حسین^(ع) در سرعت به پرنده شکاری و در قدرت و غضبناکی به شیر مانند می‌شود: «آه آه! خانه عالم خراب شود برای آن حالت سید الشهداء^(ع) چون صدای برادر زاده ناکامش را شنید مثل باز شکاری به سرعت تمام رو به میدان نهاد؛ مثل شیر غضبناک تنگ بر آن روبه‌صفقان گرفت» (همان: ۳۰۷). در ضمن این تشبیه، تشبیه دیگری نیز وجود دارد که در کنار واژگانی نظیر «آه آه» و «ناکام»، تأثر و اندوه نویسنده را هم به تصویر می‌کشد.

نویسنده در توصیف قدرت جنگاوری و روح حماسی سپاهیان امام^(ع) به شخصیت حضرت و یارانش می پردازد تا شکوه، عظمت و دلاوری های آنها را توصیف کند؛ این در حالی است که برای توصیف قدرت جنگاوری سپاهیان دشمن از روی تنفر و کراهت تنها به ویژگی های شرایط جنگی بسنده می کند تا جنگاوری آنها؛ بنابراین رویکرد تشبیه ای برای توصیف شخصیت های سپاهیان دشمن وجود ندارد.

نویسنده در توصیف شدت و دشواری های حضرت حسین^(ع)، به توصیف دوسویه سپاهیان امام^(ع) و سپاهیان دشمن می پردازد. در توصیف شدت جنگ بر شجاعت های سپاه حضرت متمرکز است؛ نظیر رجز خوانی غلام امام سجّاد^(ع) که این گونه توصیف می شود: «مبارزت غلامش را مشاهده می فرمود که شمشیر آتش بار کشیده، رجز می خواند و شمشیر خود را رو به آن مشرکان حرکت می داد و هر مبارزی که به میدانش می آمد به خاک هلاک می انداخت» (همان: ۲۷۸)؛ این در حالی است که نویسنده به گونه ای قدرت دشمنان امام^(ع) را توصیف می کند که از چهره قهرمانی و حماسی بسیار فاصله دارد: «لشکر از هر سو تیرهای خود را مانند قطرات باران رو به نیکان و پاکان انداختند» (همان: ۲۳۶). نویسنده با آوردن صفات «نیکان و پاکان» برای کسانی که مورد حمله قرار گرفته اند، به گونه ای اعتقاد خود را بیان می دارد و از شدت تصویر حماسی این تشبیه می کاهد.

نویسنده در توصیف جلوه های شکست در هر یک از سپاهیان نیز با انتخاب مشبّه به هایی متفاوت، اندیشه و احساس خود را بیان می دارد. شخصی از سپاه دشمن با حضرت علی اکبر^(ع) روبرو و مغلوب ایشان می شود. نویسنده، مغلوب شدن او را این گونه توصیف می کند: «بدن نحس آن نجس را مانند خیار تر به دو نیم نمود» (همان: ۲۹۶)؛ این در حالی است که در وصف جراحت های امام حسین^(ع) می گوید: «پس از اینکه آن مظلوم از جراحت بدن مبارکش پُر شد، ...» (همان: ۳۲۳). در جمله اول، نهاد معلوم است و صفتی که برای دشمن آمده، احساس تنفر نویسنده را بیان می کند و از سویی مشبّه ای که انتخاب شده، بیانگر ضعف و سستی دشمن نیز هست؛ این در حالی است که نویسنده در تشبیه دوم از آوردن نام دشمنان پرهیز کرده و با مظلومیت از امام حسین^(ع) یاد می کند.

در مجموع توصیف شدت جنگ و دشواری های متحمل بر سپاهیان امام^(ع) جلوه بارزی دارد؛ برای نمونه در وصف پرتاب تیر سه شعبه زهر آلود شمر dī ملعون آمده است: «پس آن تیر را از پشت سر بیرون آورد خون مانند ناودان جاری شد» (همان: ۲۲۷). یا در نمونه ای دیگر بیان رشادت ها و دشواری های وهب از سپاهیان امام حسین^(ع) با رویکردی تشبیه ای می آید: «آن نوجوان پس از اینکه پنجاه نفر را به خاک هلاک انداخت ... و اسبش از کثرت تیر مانند قُنْفَذ (جوجه تیغی) پر بر آورده، از پا درآمد» (همان: ۲۵۶) و یا تیرهایی که قاصد مرگ، تلقی می شوند: «به راستی که این تیرها، قاصدهای این قوم اند به سوی شما» (همان: ۲۳۷).

مجموعاً عناصر طبیعت و پدیده های انسانی ابزاری در بیان و توصیف جنگ می شوند؛ برای نمونه این نبرد در ویرانگری به آتش مانند می شود: «چون فردا آتش حرب افروخته شود، شماها سبقت بگیرید» (همان: ۲۸۱). باز در نمونه ای دیگر جنگ در قدرت و ویرانگری با عنصر آتش و دیگر پدیده ها و عناصر طبیعت توصیف می شود و به طور پیاپی با شگرد تشبیه همراه است: «ولکن سرعت نمودید به سوی آتش مقاتله مانند اجتماع ملخ های خرد که بر زراعی بریزند و از هر سو رو نمودید مانند هجوم پروانه» (همان: ۵۳۳).

گاه جلوه های اعتقادی مقتل مذکور با تعابیر عاطفی همراه است؛ اما همچنان رویکردی تشبیه ای دارد. عنصر تصویری تشبیه، توان انتقال عاطفه را به خوبی دارد و اساساً «بدون پشتوانه عاطفی، هیچ تصویری مؤثر و دلنشین نیست» (فتوحی

رودمعجی، ۱۳۸۹: ۹۴). عاطفه در تصویر هم این گونه تعریف می‌شود: «تجسم حالات روحی و عاطفی مانند دلهره، غم، تشویش، شور و اشتیاق و نفرت در اشیا و اجزای تصویر» (همان: ۵۴).

تشبیهات غنایی از دیگر تصویرهای پرتکرار تشبیهی در مقتل مذکور است (۵۴ نمونه). این تشبیهات بیان عواطف و احساسات نویسنده هستند و از این روست که رنگ غنایی به خود می‌گیرد؛ چرا که ادب غنایی از عواطف و احساسات فردی سخن می‌گوید (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۵). از این تشبیهات با عنوان غنایی یاد می‌کنیم؛ برای نمونه در بیان شدت رنج و ناراحتی مادر و هب پس از شهادت فرزندش با زبانی عاطفی و گیرا به هیبت این زن و حب او نسبت به اهل بیت^(ع) می‌پردازد: «ای جان‌ها فدای فدایی مولی ایشان، آن سوخته آتش محبت به این هم اکتفا نموده، عمود خیمه را گرفته بر آن قوم بد عاقبت حمله نموده» (جلیلی کرمانشاهی، بی تا: ۲۷۵).

نویسنده در بیان وفاداری اصحاب امام حسین^(ع) تعبیر «سربازان کوی وفا» را به کار می‌گیرد و یا سعادت را که با شهادت طلبی همراه است، به صبحی روشن مانند می‌سازد: «وجود مقدس او سبب شد از برای اطمینان قافله سربازان کوی وفا بعد از طلوع او در میدان کارزار دیگر اصحاب مطمئناً دانستند که صبح سعادت آنها نزدیک شده» (همان: ۳۰۲). در نمونه‌ای دیگر، نویسنده صحنه‌های جستجوی اسب امام حسین^(ع) را با بیانی عاطفی توصیف می‌کند و در نهایت از شیوه تشبیه بهره می‌گیرد: «پس از اینکه دهان خود را به بدن مبارک می‌مالید ناله کنان مانند زن بچه‌مرده گریه می‌کرد» (همان: ۳۳۴).

گاه نویسنده در توصیف احوال و گفتار شخصیت‌هایی نظیر امام حسین^(ع)، امام سجّاد^(ع) و حضرت زینب^(ع) نیز زبانی عاطفی و واژگانی تأثیر برانگیز همراه با شیوه تشبیه استفاده می‌کند. از جمله در شدت ناراحتی و رنج‌های جانکاه حضرت، به گونه‌ای بیان می‌شود که حتی غیرانسان هم متأثر و دردمند شده است: «پس از آن با مادر خود فاطمه زهرا^(ع) خطاب نمود به قسمی که وحشیان صحرا و ماهیان دریا را به آتش غم کباب کرد» (همان: ۳۵۱). در نمونه‌ای دیگر از بیان عواطف اهل کربلا، به امام سجّاد^(ع) اشاره می‌شود؛ مثلاً ایشان با جراحت جسمی و قلب اندوهگین می‌فرمایند: «ای واقعه کربلا! چه داغ حزن که بر دلم گذاردی» (همان: ۳۸۷). در بیان کلام امام حسین^(ع) نیز می‌آید: «تا حال تلخی آن مصیبت در کام من است و آتش آن مصیبت در سینه‌ام افروخته» (همان: ۳۹۲). آتش ویرانگر مصیبت‌هایی که محنت و غم آن دل‌سوختگان را هم تحت تأثیر این آلام قرار می‌دهد: «دل‌سوختگان آتش محنت و غم و مبهوتان از درد و آلم، را ملتفت می‌سازد» (همان: ۴۶۵).

از دیگر جلوه‌های تشبیهات این مقتل، تشبیهاتی هستند که رنگ و زمینه اعتقادی و فکری دارند و ۵۰ نمونه را به خود اختصاص می‌دهند؛ برای نمونه، نویسنده در تعریف گمراهانی که در برابر امام حسین^(ع) لشکر کشیده‌اند، می‌گوید: «همه شما در امر من تقصیر می‌کنید و قول مرا نمی‌شنوید، پس به تحقیق که پر شده شکم‌های شما از حرام و مهر غفلت بر قلوب شما زده شده» (همان: ۲۲۸).

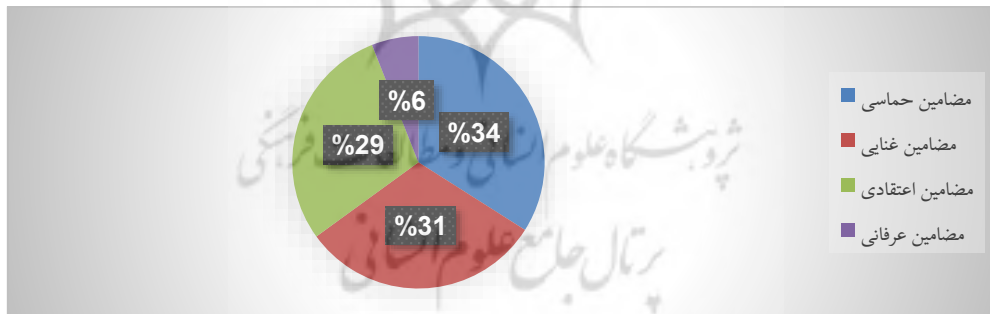
نویسنده در ضمن بیان حوادث نبرد، اعتقادات خود را با رویکرد تشبیهی بیان می‌کند؛ برای نمونه: «در مبارزت و شهادت جمعی از اصحاب خیرمآب آن آفتاب فلک امامت و نور شجره مبارکه رسالت و ولایت به روایت لهوف، بعد از ذکر تقابل صفین، ابن سعد ملعون پیش آمد» (همان: ۲۳۶). نویسنده، نور را برای توصیف اسلام و ایمان مشبّه به قرار می‌دهد. در چگونگی تحوّل یافتن حمزه الشّهدا از غیرت و حمیت تا ایمان به اسلام باز هم از بیان تشبیهی بهره می‌گیرد: «از تأثیر این اعمال حسنه، نور اسلام در قلب مبارکش تابید» (همان: ۲۴۷). نویسنده ایمان را در روشنی و هدایت بخشی به نور مانند می‌کند: «اسباب شفاعت و در چشم و بدن دختر یهودیه موجب روشنی و شفا و تأثیرش در دل اقبای آن دختر نور ایمان» (همان: ۴۰۴).

نویسنده در بیان هدایت و نقطه مقابل آن، ضلالت از شیوه تشبیه بهره می گیرد؛ برای نمونه در رویکردی تشبیهی هدایت را در آرامش و آسایش به «سر منزل» و گمراهی و ضلالت را در زحمت و رنج به «وادی» مانند می سازد: «و چه از دین بیگانگان از برکت نور حسینی از وادی ضلالت و گمراهی به سر منزل هدایت رسیده و مؤمن کامل گردیدند از یهود و نصاری» (همان: ۴۵۰). گاه گمراهی پرده ای است که پیش چشم کشیده می شود و بینش را تحت تأثیر نامطلوب خود قرار می دهد: «پرده ضلالت در پیش بصیرت کشیده شده» (همان: ۳۹۴). گمراهی و ضلالتی که «آتش عقوبت» را به دنبال دارد: «او را با آتش عقوبت سوختند» (همان: ۴۱۹).

مرگ در تعبیر نویسنده برای پیروان حق و حقیقت چنان شیرین و گواراست که در جای جای این مقتل با تعبیر «شربت شهادت» و بهرو هستیم؛ نظیر: «مُصْعَب چون برادر را کشته دید به خدمت امام - علیه السلام - آمده اذن جهاد خواسته؛ بعد از مرخصی رو به میدان نهاد و قتال نمود تا شربت شهادت چشید» (همان: ۲۴۶).

دسته ای دیگر از تشبیهات هستند که رنگ عرفانی دارند و ۱۱ نمونه را به خود اختصاص می دهد. این تشبیهات، پیوند نویسنده را با دیدگاه های عارفانه او نشان می دهند. در این تشبیهات به ناپایداری دنیا تأکید شده است؛ نظیر: «حمد مر خدای را که دنیا را دار فنا و زوال قرار داد» (همان: ۲۲۳). در بینش نویسنده، مرگ با دیده حقارت نگریسته می شود و با تعبیر «غبار» از آن یاد می کند. در زمان شهادت حُرّ می گوید: «او خوب است حُرّ وقتی که برانگیخته شد غبار مرگ، در وقتی که شجاعان بتازند در میدان قتال» (همان: ۲۴۶).

در برجسته ترین نمونه، نویسنده با رویکردی عارفانه در قالب تشبیه، فناء فی الله را این گونه بیان می کند: «این است طریقه فناء الامام که عین فناء فی الله است» (همان: ۲۷۷). در فرهنگ اصطلاحات عرفانی، فنا به معنای «پاک شدن از صفات نکوهیده است» (سجادی، ۱۳۸۹: ۲۶۴). در تشبیه مذکور فناء به طریقی مانند شده که با پاک شدن از صفات نکوهیده، آدمی را به کسب صفات ستوده نایل می کند.



نمودار ۳. بسامد موضوعات تشبیه در مقتل سر الأسرار

نتیجه

واقعۀ تاریخی عاشورا از دیرباز تا کنون مورد توجّه تاریخ نگاران، شاعران، نویسندگان و پژوهشگران بسیاری بوده است. کتاب سر الأسرار هم روایتی تاریخی است که حوادث روزگار امامت امام حسین(ع) را بیان می کند. این مقتل، روایت دشواری ها، رنج ها، ستم ها، بدعهدی ها، ایستادگی ها، دلاوری ها، فداکاری ها و شهادت طلبی یاران مخلص امام حسین(ع)، شکیبایی و صبر اهل بیت(ع) است. نویسنده با اهداف روشن کردن مطالب، انتقال عقاید و فضای حاکم بر نوشته، برانگیخته شدن احساس خود یا برانگیزاندن احساس مخاطب به تشبیه روی می آورد. مؤلف برای ترسیم زنده و محسوس رویدادهای تاریخی این مقتل از زبان تصویری تشبیه استفاده می کند تا به کلامش رنگ عاطفه ببخشد و مؤثر بیفتد؛ در عین حال هم

از این عنصر برای بیان اندیشه، انتقال عقاید و توصیف فضای روایت خود بهره می‌گیرد. تشبیهات بلیغ و تشبیه مفصل پربسامدترین گونه‌های تشبیه در مقتل سرالأسرار هستند و در خدمت توصیف حوادث، شخصیت‌ها، تبیین فضا و انتقال اندیشه و احساس می‌آیند. در بیشتر این موارد، تشبیهات با هدف روشن‌سازی، انتقال فضا، بیان اندیشه و احساس نویسنده خلق شده‌اند تا آفرینش‌های ادبی و هنری. در تشبیهات مفصل جلوه‌های هنری و ویژه ادبی چندان نمود و تازگی ندارند؛ اما تشبیهات بلیغ ضمن داشتن اهداف فوق، از جنبه‌های ادبی و هنری هم بهره‌مند هستند. تشبیهات مجمل و مؤکد، بسامد بسیار کمی دارند؛ زیرا با اهداف کارکرد تشبیه در این روایت تاریخی چندان سنخیتی ندارند. اغلب، از لحاظ طرفین تشبیه نیز با رایج‌ترین نوع تشبیهات روبه‌رو هستیم. تشبیهات معقول به محسوس با هدف بیانی روشن از مشبه به کار می‌روند و تشبیهات محسوس به محسوس جهان و جهان‌بینی محسوس در ذهن نویسنده را منعکس می‌کنند. جملاتی که ساختار تشبیهی دارند، مولفه‌هایی معنایی نظیر: اندوه، خشونت، شجاعت، ترس، جوشش، شدت، ویرانگری، نفرت، تأثر و... فضای روایت را به خوبی توصیف می‌کنند و ارتباط عمیقی با انتقال درون‌مایه این اثر دارند. مشبه‌به‌ها و وجه‌شبه‌ها جلوه‌های فکری، اعتقادی و احساسی نویسنده را القا می‌کنند و با کارکرد توصیف صحنه، معرفتی شخصیت‌ها، فضاسازی و انتقال اندیشه و عاطفه نویسنده همراه هستند تا تاریخ را با بیانی زنده و نگاهی نقادانه روایت کنند. هرچند تشبیهات این مقتل، از منظر ادبی چندان مطرح نیستند اما هنگامی که در خدمت اهداف کلی متن، چون القای اندیشه، توصیف فضا و تقویت ارتباط مخاطب با درون‌مایه آن قرار می‌گیرند، ارزشمند و اثرگذار شده‌اند.

تعارض منافع

طبق گفته نویسندگان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

- احمدنژاد، کامل. (۱۳۸۲). معانی و بیان. چاپ اول. تهران: زوآر.
- الأمینی، الشیخ هادی. (۱۴۱۳). معجم رجال الفكر و الأدب فی النجف خلال الف عام. الطبعة الاولى. نجف: مطبعة الآداب.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۳۷۴). طبقات اعلام الشیعه. جلد اول. چاپ اول. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- پورنامداریان، محمدتقی. (۱۳۸۱). سفر در مه. چاپ اول. تهران: نگاه.
- جلیلی کرمانشاهی، شیخ عبدالرحیم؛ جلیلی کرمانشاهی، محمد هادی. (بی‌تا). سرالأسرار فی مصیبة أبی الأئمة الأطهار^(ع). تصحیح، تحشیه و تعلیقه محمدابراهیم المیر و محمدعلی مرادی کارخانه. کرمانشاه: مؤسسه شیفتگان کمال.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (بی‌تا). الایضاح فی علوم البلاغة. شرح و تعلیق عبدالمنعم خفاجی. بیروت: دارالکتاب العلمیة.
- خطیبی، حسین. (۱۳۹۰). فن نثر در ادبی فارسی. چاپ چهارم. تهران: زوآر.
- رضایی جمکرانی. احمد. (۱۳۸۴). «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی». پژوهش زبان و ادب پارسی. شماره ۵. صص: ۸۵-۱۰۰.
- رضوانیان، قدسیه؛ مقدسی، زهرا. (۱۳۹۴). «دیالکتیک در تاریخ بیهقی». مطالعات زبانی و بلاغی. شماره ۱۱. صص: ۹۵-۱۲۰.
- زارع، میثم. (۱۳۹۷). «طبقه‌بندی تشبیهات در دو مجموعه داستان چمدان و ورق‌پاره‌های زندان از بزرگ علوی». علوم ادبی. سال ۸. شماره ۱۴. صص: ۹۷-۱۱۸.
- سجادی، سید ضیاءالدین. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر مبانی عرفان و تصوف. چاپ شانزدهم. تهران: سمت.
- شریف‌رازی، محمد. (۱۳۹۳). گنجینه دانشمندان. جلد ششم. چاپ اول. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی. چاپ سوم. تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۷). بیان. چاپ سوم. تهران: میترا.

- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). انواع ادبی. چاپ چهارم. تهران: میترا.
- عسگری، انسیه؛ رفعت، محسن. (۱۳۹۹). «بازخوانی و آسیب شناسی گونه ها و سبک های مقاتل امام حسین (ع)». تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره ۳۸. صص: ۷۶-۴۷.
- علوی مقدم، محمد؛ اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۶). معانی و بیان. چاپ اول. تهران: سمت.
- فتوحی رودمجبنی، محمود. (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. چاپ دوم. تهران: سخن.
- فتوحی رودمجبنی، محمود. (۱۳۹۵). سبک شناسی: نظریه ها، رویکردها و روش ها. چاپ سوم. تهران: سخن.
- کادن، جی. ای. (۱۳۸۰). فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد. ترجمه کاظم فیروزمند. چاپ اول. تهران: شادگان.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۸۸). بیان: زیبایی شناسی سخن پارسی. چاپ هشتم. تهران: کتاب ماد.
- لامعی، مهرناز؛ انواری، سیدمحمود و سعید فرزانه فرد. (۱۳۹۹). «مقایسه و تحلیل تشبیه و ساختار آن در اشعار فروغ و ابتهاج». بلاغت کاربردی و نقد بلاغی. سال ۵. شماره ۲ (پیاپی ۱۰). صص: ۱۸۶-۱۷۷.
- مظفری، علیرضا. (۱۳۸۱). خیل خیال. چاپ اول. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۸۸). عناصر داستان. چاپ ششم. تهران: سخن.

References

- Aghabozorg Tehrani, M.M. (1995). Tabaghat A'lam-ol Shi'e. Vol 1. First edition. Qom: Mo'assese-ye Matbo'ati-ye Esma'ilian.
- Ahmadnejad, K. (2003). Ma'ani va bayan. First edition. Tehran: Zavaar.
- 'Alavi Moghaddam, M. & R. Ashrafzadeh. (1997). Ma'ani va bayan. First edition. Tehran: Samt.
- Amini, M.H. (1999). Mo'jam rejal ol-Fekr val-adab fel Najaf khelal alf 'Am. first edition. Najaf: Al-Adab.
- 'Asgari, E. & M. Raf'at. (2020). Baz Khani va Asib Shenasiye Gooneha va Sabkhaye Maghatel-e Emam Hosein. Tarikh-e Farhang va Tamaddon-e Islami. No. 38. Pp.47-76. [in persain]
- Fatoohi Rood-Ma'jani, M. (2015). Sabkshenasi: Nazariyeha, Rooykardha, va Raveshha. 3th edition. Tehran: Sokhan.
- Fotoohi Rood-Ma'jani, M. (2010). Balaghat-e Tasvir. Second edition. Tehran: Sokhan.
- Jalili Kermanshahi, 'A.R. & M. H. Jalili Kermanshahi. (n.d.). Serrol Asrar fi Mosibat-e Abi ol-Aeimate ol-Athar. Tashih-e Mohammad Ebrahim Malmir & Mohammad 'Ali Moradi Karkhaneh. Kermanshah: Mo'assese-ye Shiftegan-e Kamal.
- Kazzazi, M.J. (2009). Bayan, Zibayishenasi-ye Sokhan-e Parsi. 8th edition. Tehran: Ketab Mad.
- Khatib Ghazvini, M. (n.d.). Al-Izah fi 'Oloom ol-balaghah. Sharh-e 'Abdol Mon'em Khafaji. Beirut: Dar ol-Ketab ol-Elmiyah.
- Khatibi, H. (2011). Fanne Nasr dar Adab-e Farsi. 4th edition. Tehran: Zavvar.
- Kudon, J. E. (2001). Farhang-e Toowsifi-ye Adabiyyat va Naghd. Tarjome-ye Kazem Firoozmand. First edition. Tehran: Shadegan.
- Lame'i, M. & S.M. Anvari. & S. Farzanehfard. (2019). Moghayese va Tahlil-e Tashbih va Sakhtar-e an dar Ash'ar-e Foroogh va Ebtehaj. Balaghat-e Karbordi va Naghs-e Balaghi. Years 5. 2 (10). Pp. 177-186. [in persain]
- Mirsadeghi, J. (2009). 'Anasore Dastan. 6th edition. Tehran: Sokhan.
- Mozaffari, 'A.R. (2002). Kheyl e-Khiyal. First edition. Oroomiyeh: Daneshgah Oroomiyeh.
- Poornamdariyan, M.T. (2002). Safar Dar Meh. First edition. Tehran: Neghah.
- Rezaei Jamkarani. A. (2005). Naghs-e Tashbih dar Degargooniha Sabki. Pazhoohesh-e Zaban va Adab-e Parsi. No. 5. Pp. 85-100. [in persain]
- Rezvanian, Gh. & Z. Moghaddasi. (2014). Dialectics dar Tarikh-e Beyhaghi. Motale'at-e Zabani va Balaghi. No. 11. Pp. 95-120. [in persain]
- Sajjadi, S.Z. (2010). Moghaddame-ei bar 'Erfan va Tasavvof. 16th edition. Tehran: Samt.
- Shafe'i Kadkani, M.R. (1987). Sovar e-Khiyal dar She're Farsi. 3th edition. Tehran: Aagah.
- Shamisa, S. (2008). Bayan. 3th edition. Tehran: Mitra.
- Shamisa, S. (2010). Anva' e-Adabi. 4th edition. Tehran: Mitra.
- Sharif Razi, M. (2013). Ganjine-ye Daneshmandan. Vol 6. First Edition. Tehran: Ketab forooshi-ye Eslamiye.
- Zare', M. (2017). Tabaghebandi-ye Tashbihat dar do dastan-e Chamadan va Varagh parehaye Zendan az Bozorg 'Alavib 'Oloom-e Adabi. 8(14). Pp. 97-118. [in persain]